

بررسی تطبیقی مفهوم حقوق بشر در اندیشه سیاسی امام خمینی و ابوالعلی مودودی

سمیه حمیدی^۱
فاطمه کامرانی^۲

چکیده

امروزه مباحث مربوط به حقوق بشر، نه تنها یکی از موضوعات بسیار مهم در جوامع علمی دنیا به شمار می‌رود، بلکه اهمیت فراوانی در جوامع بشری به لحاظ فرهنگی، اجتماعی، حقوقی، اخلاقی و مخصوصاً سیاسی دارد. با توجه به جامعیت دین اسلام در تدوین قواعد زندگی انسان، به مؤلفه حقوق بشر به‌عنوان یک اصل مهم توجه شده است. جریان نواندیشی دینی در جهان اسلام، توجه ویژه‌ای به ارائه قرائت جدید از اسلام مبتنی بر مقتضیات امروزی جوامع اسلامی هم در حوزه تشیع و هم تسنن دارد. از جمله متفکرین این جریان، امام خمینی(ره) و ابوالعلی مودودی هستند که به مسأله حقوق بشر در آثار خود پرداخته‌اند. مسأله نوشتار حاضر آن است که مبانی و مصادیق حقوق بشر در اندیشه امام خمینی(ره) و مودودی کدام‌اند؟ جهان‌بینی و انسان‌شناسی دو متفکر در نوع قرائت آنان از مصادیق حقوق بشر اثرگذار است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی-مقایسه‌ای است. روش گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد علی‌رغم تعلق این دو اندیشمند به دو جریان متفاوت اسلام‌گرایی یعنی شیعه و اهل سنت، صورت‌بندی نظریاتشان در باب حقوق بشر، در برخی موارد هم‌چون آزادی، کرامت انسانی، حقوق بشر، عدالت همسو می‌باشد؛ هرچند توجه به مقوله زنان و اقلیت‌های مذهبی در اندیشه امام از جایگاه فطری بشر سبب شده تا حقوق بشر در اندیشه امام دربرگیرنده سایر ادیان نیز باشد.

کلیدواژه‌ها: اسلام، حقوق بشر، کرامت انسانی، امام خمینی، مودودی.

مقدمه

حقوق بشر در اسلام مبتنی بر اصل خدامحوری است؛ بدین معنی که موجودی برتر از انسان، اداره کل جهان را در دست دارد. از این منظر می‌توان گفت حقوق بشر از جانب خداوند اعطاشده و هیچ‌کس حق الغا یا سرپیچی از آن را ندارد. محور بحث حقوق بشر در اسلام، توجه به کرامت انسانی است. کرامت انسانی مقام والایی است که تمامی انسان‌ها به دلیل داشتن توانایی تعقل، تفکر، آزادی و اختیار به‌طور فطری و یکسان از آن برخوردارند و از آن جایی که اسلام دینی مبتنی بر فطرت آدمی است؛ بدیهی است که متعهد به تحقق این امر باشد. اسلام بر حمایت از حقوق بشر تأکید دارد و رعایت آن را در زمره واجبات برمی‌شمارد.

امام خمینی(ره) و مودودی در دوره زمانی زندگی می‌کردند که مسلمانان گرفتار استبداد و استعمار فراگیر بودند. فروپاشی امپراطوری عثمانی سرآغاز استعمار مستقیم بسیاری از کشورهای اسلامی شده بود. در ایران نیز در کنار وابستگی حکومت به نظم مسلط جهانی، استبداد بر سپهر جامعه و سیاست ایران حاکم بود و تمامی کانال‌های نهادی برای ابراز نارضایتی به‌وسیله سرکوب بسته شده بودند. مودودی هم شاهد استعمار هند و هم استقلال پاکستان از هند در سال ۱۹۴۷ و شکل‌گیری نظامی مستبدانه بود که در آن حقوق انسان‌ها نقض می‌شد (اکوانی و منصورخانی، ۱۳۹۵: ۴). از این رو هر دو متفکر از نظر زمینه سیاسی - اجتماعی در شرایط مشابهی می‌زیستند. از سوی دیگر آنان راه مقابله با وضعیت عقب‌ماندگی، استعمار در جهان اسلام را در بازگشت به اسلام می‌دانستند و تلاش می‌کردند تا از اسلام قرائتی نو و مبتنی بر مقتضیات زمان و مکان ارائه دهند. از جمله مفاهیمی که این دو متفکر سعی در تبیین آن داشتند مفهوم حقوق بشر و نگرش اسلام به آن بود. نوشتار حاضر درصدد است تا به این سؤال پاسخ دهد که مبانی و مصادیق حقوق بشر در اندیشه امام خمینی(ره) و مودودی چیستند؟ فرضیه نوشتار حاضر آن است که علی‌رغم تأثیرگذاری اندیشه اسلامی بر نگرش‌های مشابه به مقوله حقوق بشر در این دو متفکر، جهان‌بینی و انسان‌شناسی آنها در نوع قرائت آنان از مصادیق حقوق بشر اثرگذار است. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی - مقایسه‌ای است. روش گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد علی‌رغم تعلق این دو متفکر به دو جریان متفاوت اسلام‌گرایی یعنی شیعه و اهل سنت، صورت‌بندی نظریاتشان در باب حقوق بشر، در برخی موارد هم‌چون آزادی، کرامت انسانی، حقوق بشر و عدالت همسو می‌باشد؛ هرچند توجه به مقوله زنان و اقلیت‌های مذهبی در اندیشه امام از جایگاه فطری بشر سبب شده تا حقوق بشر در اندیشه امام دربرگیرنده دایره شمولیت گسترده‌تری داشته باشد.

روش پژوهش حاضر ترکیبی از دو روش توصیفی - تحلیلی و مقایسه‌ای می‌باشد. به باور مارش و استوکر روش مقایسه‌ای با توجه به آنکه می‌تواند با سهولت بیشتری به آزمون و بازنگری در نظریه‌ها، مفاهیم و فرضیه‌ها بینجامد؛ روشی کارآمد در تطبیق پدیده‌های سیاسی می‌باشد. این روش دارای چهار هدف همزمان است که یکدیگر را به‌صورت متقابلی تقویت می‌نمایند؛ یعنی توصیف، طبقه‌بندی، آزمون فرضیه‌ها و فهم تغییر و تفاوت (منوچهری و دیگران، ۱۳۸۴: ۲۵۵-۲۵۶). در این مقاله ابتدا نگاهی کلی به

مفهوم حقوق بشر و شاخص‌های آن از دیدگاه اسلام شده است. سپس ضمن بررسی جهان‌بینی و انسان‌شناسی امام‌خمینی(ره) و مودودی، شاخص‌ها و مصادیق حقوق بشر از نظر آنها مورد بررسی قرار گرفته است.

در خصوص پیشینه پژوهش حاضر باید گفت هر چند در خصوص اندیشه امام خمینی(ره) و مودودی کتاب‌های چندی نوشته شده اما در خصوص مقایسه اندیشه این دو متفکر کارهای چندی صورت نگرفته است. در این زمینه به مقاله «مردم‌سالاری دینی در گفتمان اسلام سیاسی؛ بررسی اندیشه امام خمینی(ره) و ابوالاعلی مودودی» (اکوانی و منصورخانی، ۱۳۹۵) می‌توان اشاره کرد. هر چند در میان کلیه آثار که به بررسی اندیشه این دو متفکر پرداخته‌اند، مسأله حقوق بشر مورد بررسی قرار نگرفته است. از سوی دیگر با توجه به اینکه این دو متفکر جزء نسل نواندیشی دینی می‌باشند خوانش آنان از مفهوم حقوق بشر در تفسیر جایگاه انسان در عصر مدرن مؤثر می‌باشد. از آنجا که هر یک از این دو متفکر از نمایندگان مهم اندیشه نواندیشی دینی در جهان اهل تشیع و اهل سنت می‌باشند نحوه تعریف و نگرش آنان به مفهوم حقوق بشر حائز اهمیت می‌باشد. از این رو نوآوری پژوهش حاضر در یافتن نوع نگاه آنان به یک مفهوم جدید در ساحت اندیشه سیاسی می‌باشد.

چهارچوب مفهومی

حقوق بشر در برگیرنده حقوقی است که به‌طور ذاتی در طبیعت آحاد بشر است و بدون آن بشر نمی‌تواند به‌عنوان موجودی انسانی زندگی کند (سیدفاطمی، ۱۳۸۲: ۱۸). در غرب هرگاه سخن از حقوق بشر به‌میان می‌آید مراد آن دسته از حقوقی است که انسان صرفاً به‌جهت انسان بودن از آن برخوردار می‌گردد (شبان‌نیا، ۱۳۹۰: ۱۰۴). در اندیشه غربی مفاهیم بنیادین و اصول اساسی سازنده حقوق بشر، باور داشتن به‌شأن، حیثیت و کرامت انسان به‌مثابه انسان است که شامل همه افراد بشر حتی بزهکاران و اسرای جنگی نیز می‌شود (امین، ۱۳۸۱: ۱۶۷). حقوق بشر بدین معنا حقوقی طبیعی است؛ که مکشوف عقل فطری است. یعنی درک طبیعی و فطری و ماقبل آموزش انسان‌ها، به‌طور عام به آن باور دارد(هابز، ۱۳۸۰، ۱۶۱). شاخصه‌های اصلی حقوق بشر از دیدگاه اندیشه‌های غربی را می‌توان در مواد اعلامیه حقوق بشر مشاهده کرد، در این منشور به انواع آزادی‌های فردی(آزادی اندیشه، آزادی عقیده، آزادی بیان و تبلیغ، آزادی رفتار، آزادی از هرگونه بردگی)، نژادی، مذهبی، برابری و کرامت انسان‌ها پرداخته شده است (سیدیان و شبان‌نیا، ۱۳۸۴: ۶۶). حقوق بشر اسلامی ضمن فطری دانستن و فرا ایمانی خواندن این حقوق و اشتراک آن میان تمامی انسان‌ها از هر نژاد، رنگ و دین، افراد را به رعایت حقوق یکدیگر از قبیل عدالت، احسان، آزادی مسئولانه و برابری در بهره‌گیری از امکانات و نعمت‌های این جهان ملزم کرده است (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۹۷). از نگاه اسلام، حقوق بشر حداقل حقوقی است که خداوند به انسان عطا فرموده و این حق فارغ از رنگ و نژاد، زبان، ملیت، جغرافیا، اوضاع و احوال متغیر اجتماعی یا میزان قابلیت و صلاحیت افراد قابل اطلاق به همه بشر است (باقرزاده، ۱۳۸۲: ۲). اعتقاد به مشروعیت الهی حکومت می‌تواند با به کنترل

درآوردن حاکمان، تضمین کننده بسیاری از حقوق والای بشر در عرصه اجتماع باشد. حکومت اسلامی باید بر مبنای شریعت الهی و بدون دخالت اغراض، امیال و خواست‌های متفاوت بشری، قوانین را وضع و به اجرا درآورد تا مصالح فردی و اجتماعی انسان‌ها را برآورده سازد (شبان‌نیا، ۱۳۹۰: ۱۲۵). از دیدگاه اسلام، انسان موجود شریف و با کرامتی است. لذا همه موجودات بشر در این ارزشمندی ذاتی برابرند.

زیربنای تمامی اصول و فروع جهان‌بینی اسلامی خدامحوری و توحید می‌باشد. بر طبق این اصل، کل نظام هستی منشعب از وجود و هستی الهی است (شادمان، ۱۳۹۴: ۱۲-۱۱). از این رو اسلام به فطری بودن آزادی‌های عمومی و کرامت انسانی اعتقاد دارد. ابعاد و مصادیق حقوق بشر در اسلام عبارت‌اند از:

۱- اصل کرامت انسانی

کرامت دارای معانی مختلفی می‌باشد که مهم‌ترین آن عبارت است از: حرمت، حیثیت، ارزش، بزرگواری، شأن، انسانیت، منزلت و... (دهخدا، ۱۳۷۳). کرامت انسانی به طور کلی به دو دسته تقسیم می‌شود: نخست؛ کرامت ذاتی انسان؛ یعنی اینکه انسان بنابر انسان بودن و براساس خلقت خویش دارای شرافت، بزرگی و کرامت است، به طوری که جانداران دیگر از آن بی‌بهره‌اند (محمودی، ۱۳۸۵: ۷۴). ثانیاً، کرامت اکتسابی یعنی برخی انسان‌ها در اثر تحصیل و تلاش برخی فضیلت‌ها مانند علم، اخلاق، تقوا و ... را به دست می‌آورند. این کرامت بیشتر به اهل تقوا و پرهیزکاران مربوط می‌شود (سلطان‌مرادی و هایلی، ۱۳۹۰: ۱۵). مطابق این اصل، کرامت یا حرمت داشتن شخص در جامعه از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. فلسفه آفرینش انسان رسیدن به کمال است و برای ایجاد زمینه مناسب برای تکامل انسان باید اولاً احترام اجتماعی انسان که نیاز طبیعی و فطری اوست حفظ گردد و ثانیاً فرصت بهره‌مندی از امکانات و نعمت‌های موجود برایش فراهم شود (یزدی، ۱۳۸۲: ۲۹۵). در واقع مفهوم اسلامی حقوق بشر از این خاستگاه سرچشمه می‌گیرد که انسان مخلوق خداست (بنت‌الشاطی، ۱۹۹۵: ۱۵-۴) و با توجه به عقل، اراده و مسئولیتش بر سایر مخلوقات برتری دارد.

۲- حق حیات

حق حیات، پایه اساسی حقوق و منافع انسانی است و هرکس حق دارد بدون هیچ مزاحمتی به زندگی خود ادامه دهد (هاشمی، ۱۳۸۴: ۱۱۰). در دیدگاه قرآن، حق حیات تنها از سوی خداوند به انسان بخشیده شده است و از این رو تنها خدا می‌تواند در آن تصرف کند (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۱۳). نگاه نظام حقوقی اسلام درباره حق حیات تنها مربوط به مصونیت جسمانی نیست، بلکه حیات جسمانی را مقدمه‌ای برای رشد استعدادهای تعالی شخصیت فردی می‌داند و هرگونه عملی را که به شخصیت فرد لطمه وارد کند را ممنوع می‌داند. در نظام حقوقی اسلام حق زندگی حقی خدادادی است و همه افراد به‌طور یکسان از آن بهره‌مند هستند (میرموسوی و حقیقت، ۱۳۹۱: ۲۱۷). بنابراین حق حیات زیربنای همه حقوق بشر است و تا زمانی که حق حیات نباشد، حقوق دیگر معنا پیدا نمی‌کنند.

۳- اصل آزادی

آزادی از اصیل‌ترین مبانی، حقوق بشر اسلامی است و منظور از آن این است که آدمی مالک اراده، اختیار و سرنوشت خود می‌باشد و کسی حق ندارد جان، مال و اراده دیگری را تملک کند (سلطان‌مرادی و هایبلی، ۱۳۹۰: ۱۹). اسلام به آزادی اندیشه توجه دارد و اندیشیدن و تفکر را از امتیازات والای انسانی می‌داند و آن را در زمره بزرگترین و مهمترین عبادات قرار می‌دهد (میرموسوی و حقیقت، ۱۳۹۱: ۲۳۳). هم‌چنین اسلام آزادی عقیده را محترم می‌شمارد و هیچ کس را به اجبار به سوی پذیرش این آئین دعوت نمی‌کند (باقرزاده، ۱۳۹۱: ۸۴).

۴- عدالت

از معیارهای بسیار اصولی در حقوق بشر اسلامی، عدل‌گستری در روابط میان افراد، ملت‌ها، گروه‌ها و نژادهاست و اساساً ارسال پیامبران الهی برای تحقق عدالت شکل گرفته است (همان، ۷۷). خداوند در آیه ۱۳۵ سوره نساء می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، قیام‌کنندگان دائمی به عدالت باشید.

۵- برابری

حق مساوات که در اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است، از اصول مسلم حقوق بشر در اسلام می‌باشد. اسلام همه را برابر می‌شناسد و هیچ امتیازی برای افراد به علت نژاد، زمان، رنگ، ثروت، ملیت و تعلق به سرزمین خاص قائل نمی‌باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۴: ۶۴۶). هم‌چنین اسلام اعتقاد به برابری زنان و مردان دارد و بر این نظر است که زن و مرد مکمل یکدیگرند. از دیگر نکات مورد توجه در اسلام مسأله رعایت حریم خصوصی افراد است.

چارچوب نظری

میان هستی‌شناسی و اندیشه سیاسی - اجتماعی رابطه ناگسستنی وجود دارد که بیش از شرایط بیرونی زندگی انسان بر رفتار او اثرگذار است. به‌گونه‌ای که می‌توان گفت نظام سیاسی - اجتماعی زاینده طرز جهان‌بینی است. هم ادیان و هم مکاتب متکی بر نوعی جهان‌بینی‌اند. هدف‌هایی که یک مکتب ارائه می‌دهد و افراد را به تعقیب آن دعوت می‌کند و راه و روش‌هایی که تعیین و باید و نبایدهایی که عرضه می‌دارد منتج از جهان‌بینی آن است (احمدوند و سلگی، ۱۳۹۳: ۱۵۶). در واقع نوع نگرش به جهان و هدف و غایت آن مؤثر بر شکل‌گیری اندیشه سیاسی می‌باشد.

انسان‌شناسی از جمله مهم‌ترین دانش‌های الهی و بشری است که در آن حقیقت انسان، نحوه تکوین و حیات او، سرنوشت و سرانجام و جایگاه او در هستی مورد توجه است. دلیل اهمیت این امر در اسلام آن است که انسان خلیفه و جانشین خداوند در زمین است و رسیدن به این هدف تنها از راه شناخت حقیقت انسانی، توانایی‌ها، کمال، سعادت واقعی و راه وصول به آن امکان‌پذیر است. در انسان‌شناسی دینی ابعاد و ویژگی‌های حقایق و ارزش‌های گوناگون انسانی از راه مراجعه به متون مقدس حاصل می‌شود (خسروپناه

و میرزایی، ۱۳۸۹: ۳۶-۴۲). از این رو نحوه تعریف و نگرش از انسان در شکل‌گیری اندیشه متفکران سیاسی مؤثر است.

بنیادهای اندیشه امام خمینی(ره) به حقوق بشر

برای درک نحوه نگرش امام خمینی(ره) و مودودی به مسأله حقوق بشر لازم است تا ابتدا مبانی جهان‌بینی و انسان‌شناسی آنها مورد بررسی قرار گیرد.

۱- مبانی جهان‌بینی امام خمینی(ره) به حقوق بشر

جهان‌بینی امام خمینی(ره) مبتنی بر حکمت متعالیه صدرایی و اصالت وجود شکل گرفته است. این جهان‌بینی که در برابر جهان ماتریالیستی معاصر قرار دارد، هستی را دارای هدف، مبدا، معاد و نظام اکمل و جلوه ظهور حق تعالی می‌داند. توحید محور اصلی هستی‌شناسی امام و بنیان جهان هستی است. ریشه و اصل همه اعتقادات ایشان در تمام ابعاد معرفت و اندیشه به این اصل برمی‌گردد (عروتی موفق، ۱۳۹۵: ۵۵). در اندیشه امام نظام هستی احسن، عدالت‌محور و هدفمند و عبث آفریده نشده است. بر همین اساس هدف از تأسیس حکومت اسلامی اقامه عدل و برقراری نظام عادلانه است (امام‌خمینی، ج ۱۸، ۱۳۸۴: ۱۶۴). از نظر ایشان حق تعالی صاحب فرمان حکومت و ولایت بالذات است و این امر از جانب کسی برای خداوند قرار داده نشده است (امام‌خمینی، ۱۳۷۴: ۱۶۰). از این رو ایشان قدرت را متعلق به ذات الهی دانسته و منبع مشروعیت‌ساز آن را هم خود خداوند می‌داند.

ایشان توجه بسیاری به اسلام در قالب حکومت و اجرای قوانین در جامعه داشته‌اند و از این رو برای اجتهاد جایگاه ویژه‌ای قائل بودند. در واقع اجتهاد را برای عملی‌ساختن قوانین اسلام در زمان فعلی و در قالب قوانین امروز لازم می‌دانستند (امام‌خمینی، ج ۲، ۱۳۷۸: ۴۶۶). ایشان بر اتحاد مسلمانان تأکید داشته‌اند: «ما برای دفاع از اسلام و استقلال ممالک اسلامی در هر حال مهیا هستیم. برنامه ما برنامه اسلام است، وحدت کلمه مسلمین است، اتحاد ممالک اسلامی است، برادری با جمیع فرق مسلمین است در تمام نقاط عالم، هم‌پیمانی با تمام دول استعمار طلب» (امام‌خمینی، ج ۱۳، ۱۳۷۸: ۲۸۰). لذا نگرش امام به تفسیر دین مبتنی بر رویکرد عقل‌گرا و توجه به اراده انسانی است. به باور ایشان سیاست اسلام، یک سیاست جهانی است و همواره همه مردم جهان را به اصول اسلامی و انسانی در درون خودش که تمام جوانب زندگی بشر اعم از مسایل معنوی، مادی، فکری، اخلاقی و سیاسی است، دعوت می‌کند (اکوانی و منصورخانی، ۱۳۹۵: ۷).

مبانی انسان‌شناسی امام خمینی(ره)

امام خمینی(ره) بر مبنای اعتقاد به اصل توحید و با در نظر گرفتن آموزه‌های اسلامی، ابعاد مختلف وجودی انسان را مورد توجه قرار داده است. امام با مطالعه انسان‌شناسی در طول هستی‌شناسی، آزادی و اختیار را برای انسان اثبات و انسان را مستعد و تربیت‌پذیر معرفی کرده است که پروردگار عالم این موضوع را از راه

انبیاء و کتب الهی به وی نشان می‌دهد (میرزایی، ۱۳۹۰: ۵۱). ایشان در این زمینه اذعان می‌دارد که انسان حیوان نیست، انسان یک موجودی است که در طرف سعادت به بالاترین مقام موجودات می‌رسد، در طرف کمال به بالاترین مقام موجودات می‌رسد (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۵). امام معتقد است انسان دو چهره دارد: یک روی مادی، که اسلام در این روی مادی در همه جهاتش احکام دارد و یک روی معنوی که بر تربیت معنوی انسان و تهذیب او تأکید دارد (امام خمینی، ج ۶، ۱۳۷۸: ۲۰۱). در اندیشه ایشان، انسان یک موجود جامع است نه یک موجود تک بُعدی، موجودی چند بُعدی است که برای هر بُعدش، احتیاجاتی دارد (همان، ج ۴: ۸). برخلاف بعضی از اندیشمندان سیاسی که انسان را موجودی بدسرشت می‌دانند، در قرائت امام انسان موجودی است بالقوه تأثیرپذیر، عاقل، خردمند، آزاد و مختار که بر اساس اصل آزادی اختیار، سرنوشت خویش را می‌سازد (میرزایی، ۱۳۹۰: ۱۶۳). ایشان هیچ عاملی را در پیمودن و انتخاب راه سعادت یا شقاوت تعیین کننده‌تر از اراده انسان نمی‌داند.

بنیادهای اندیشه مودودی به حقوق بشر

مبانی جهان بینی ابوالعلی مودودی

در خصوص جهان بینی مودودی باید گفت که او بنیان‌گذار اندیشه نوسلفی است. سلفی‌ها بر اصولی مانند توحید، خلافت اسلامی و جهاد تأکید دارند؛ در حالی که نوسلفی‌ها از این موارد برداشت‌های جدید ارائه کرده‌اند (امیرخانی، ۱۳۸۹: ۱۴۳). از نظر مودودی، اسلام نظامی، جامع، کامل و فراگیر است که ناظر بر تمام شئون زندگی بشر و برای رفع نیاز و حاجات آن، پاسخ‌های لازم را دارد. این نظام فراگیر، افزون بر آنکه، تضمین کننده سعادت و خیرحقیقی انسان است، می‌تواند او را از تمام نامالیقات، بیماری‌ها و گرفتاری‌ها، شرارت‌ها و ظلم‌ها آزاد سازد. دین برای تحقق اهداف مزبور، در پی از بین بردن نظام‌های ناصالح حاکم و جایگزین کردن خود به جای آنهاست (مودودی، ۱۳۸۹: ۳۱). مأموریت اسلام، دیسپلینه کردن و تحت نظم در آوردن همه آنهاست که آرمان‌های اسلامی را قبول کرده‌اند و سبک زندگی‌شان را به روش اسلامی (وحدت، ۱۳۹۵: ۱۱۹) به قصد مبارزه برای قدرت و تصاحب آن با استفاده از همه ابزارها و تجهیزات موجود (Mawdudi, 1972:25) درآورده‌اند. او پیرامون نقش و جایگاه مردم در حکومت، اندیشه نوگرایانه‌ای داشت؛ به صورتی که توانست بین اصول اسلامی و اندیشه‌های جدید ارتباط برقرار کرده و دموکراسی رایج را با دیدی اسلامی مورد نقد قرار دهد و جایگزینی برای آن ارائه نماید (خزائی‌گسک، ۱۳۹۳: ۸۶). وی با تجزیه و تحلیل نظریه نیابت عامه در نظام خلافت، نتیجه می‌گیرد که دموکراسی حقیقی در اسلام است. زیرا در یک جامعه اسلامی اولاً همه افراد خلیفه خداوند بر روی زمین هستند و حق مساوی برای شرکت در خلافت دارند. ثانیاً در چنین جامعه‌ای محلی برای دیکتاتوری یک فرد یا گروه وجود ندارد، زیرا همه یکسان‌اند (میرعلی، ۱۳۹۷: ۲۴۲) به باور مودودی، برای تشکیل یک حکومت اسلامی، احتیاج به انقلاب اسلامی است. از نظر وی انقلاب اسلامی یعنی تربیت و تعلیم افراد

جامعه. در واقع او معتقد است که قبل از تشکیل دولت می‌بایست جامعه اسلامیزه شود، به این دلیل که موفقیت جامعه در مشروعیت آن از نظر مردم است (عراقچی، ۱۳۷۸: ۹۴). به همین دلیل به ضرورت انقلاب اسلامی تأکید دارد.

مبانی انسان‌شناسی مودودی

در اندیشه مودودی انسان از اراده و اختیار بهره‌مند است. او باید میان مأموریت‌های متفاوت دست به انتخاب بزند و این چیزی است که او را از دیگر مخلوقات متمایز می‌سازد. انسان با بودن در چنین موقعیتی مشکلات پیچیده خود و جهان را که طبیعت برای ذهن ژرف‌اندیش او تحمیل کرده حل کرده، اما راه‌حلش با واژگان صریح گفته نشده است. او نیازمند نظامی از اندیشه است تا این راه‌حل را بفهماند. طرح و چارچوب معرفتی که در آن می‌تواند اطلاعاتی را که طبیعت از طریق ارگان‌های حسی بر ذهنش تحمیل می‌کند، سازماندهی و هماهنگ کند. البته او معتقد است که این طرح و چارچوب را منبع الهی فراهم می‌کند. یک نیروی هدایت‌کننده بزرگ که به شیوه‌های بی‌شماری به ما کمک می‌کند و ما را کنترل می‌کند (Mawdudi, 1970: 9-23). به نظر او خدای متعال آزادی اراده و اختیاری به انسان عطا نموده و او را به وسیله علم و نیروی فکر و قوه تمیز و تشخیص - بین نیکی و بدی - بر همه جهانیان برتری داده و انسان با داشتن نظر، قوه تمیز و تشخیصی که خداوند به او داده؛ همیشه مراقبت دارد که این آزادی چگونه و در چه راهی مصرف شود (مودودی، ۱۳۴۶: ۱۵). همچنین می‌گوید: بر انسان واجب است که بداند، برای به‌سربردن حیات در این دنیا مطابق رضای خدای متعال راه صحیح چیست؟ خدای متعال چه چیزی را دوست می‌دارد تا همان را انتخاب و اختیار کند و چه چیز را دشمن می‌دارد تا از آن دوری کند. برای انجام این منظور، انسان ناچار است به قانون خدا آشنا شود (همان، ۲۵). به‌باور مودودی مصائب و رنج‌هایی که انسان امروز با آن روبه‌رو شده، زمانی برسرش فرود آمد که خود را موجودی مستقل و غیرمسئول در برابر خدا فرض کرد. زیرا انسان در اوضاع و شرایطی که در برابر هیچ‌کس احساس مسئولیت نکند، به‌موجودی شرور، متجاوز و خودخواه تبدیل می‌شود (مودودی، ۱۳۶۴: ۲) که خود سرچشمه همه گرفتاری‌ها و بدبختی‌ها است.

به‌طور کلی می‌توان گفت که نظریه انسان‌شناسی مودودی بنیاد نظریه خلافت عمومی اهل سنت است که بر اساس آن همه مؤمنان خلیفه خداوند بر روی زمین‌اند و کسی قادر به محروم کردن انسان از این حق نیست. اما در مقابل امام از انسان کامل سخن می‌گوید. از نظر ایشان انسانی خلیفه خداوند بر روی زمین است که کلید باب معرفت حق باشد و نمونه‌اعلایی باشد که در سایه وجود او سایر انسان‌ها نیز به تعالی و کمال برسند. این نگاه بر بنیاد نظریه امامت شیعی و در امتداد نظریه ولایت فقیه، که نوعی نیابت عام مربوط به عصر غیبت است و با طی مراتب خاص می‌توان به آن دست یافت، شکل گرفته است. بنابراین نظریات این دو اندیشمند در این زمینه از یکدیگر متمایز می‌شود. اما باید توجه نمود که به هر

حال در هر دو نظریه سعادت انسان نقطه کانونی و هدف اصلی است (اکوانی و منصورخانی، ۱۳۹۵: ۸-۹). امام خمینی(ره) و مودودی با تکیه بر مبانی جهان‌بینی و انسان‌شناسی اسلام دیدگاه خود در مورد حقوق بشر را صورت‌بندی کرده‌اند. در آموزه‌های اسلامی مهم‌ترین گوهری که خداوند تعالی در خلقت انسان به او عطا فرموده کرامت انسانی است. از نظر امام، انسان در نظام هستی دارای جایگاهی خاص است و همه امور دیگر در جهت کمک به تعالی انسان است (جمشیدی، ۱۳۸۸: ۱۷۹) زیرا که انسان خلیفه خدا بر زمین می‌باشد و دارای کرامت است. در واقع این دو متفکر اسلامی تلاش می‌کنند تا با اتکا به آموزه‌های دینی و نص قرآن با نگرش جدیدی به مسأله حقوق بشر بنگرند.

مقایسه شاخصه‌ها و مصادیق حقوق بشر از دیدگاه امام خمینی(ره) و مودودی

در بخش چارچوب مفهومی تلاش کردیم تا شاخصه‌های حقوق بشر در اسلام را احصاء نماییم. این شاخصه‌ها عبارت‌اند از آزادی، حق حیات، حقوق شهروندی، حقوق زنان، عدالت، برابری، و حقوق اقلیت‌های مذهبی. در ادامه تلاش می‌شود تا نحوه نگرش هر یک از این متفکرین به این شاخصه‌ها و نقاط تمایز و تشابه در نگرش آنان مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

۱- آزادی

در دیدگاه امام خمینی(ره) مفهوم آزادی دارای اهمیت و جایگاه خاصی است، به‌گونه‌ای که ایشان در گفتارها و نوشتارهای خود بالغ بر ۳۰۰ مرتبه به این واژه به‌طور مستقیم اشاره کرده‌اند (موحد، ۱۳۸۱: ۶۸). از نظر امام آزادی جزء اولین حقوق مردم است و موهبتی است از جانب ذات باری تعالی و حق اولیه بشر. لذا حکومت‌ها نمی‌توانند آن را نادیده بگیرند (موسوی‌بجنوردی و مهریزی ثانی، ۱۳۹۲: ۱۰). ایشان آزادی را حق ذاتی انسان و هدیه الهی و پیروی از آن را جزء دستورهای الهی می‌شمارند. به باور ایشان، اسلام انسان را آزاد و مسلط بر خویش خلق کرده‌است (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۲۸۷). همچنین معتقدند آزادی شخصی حق اولیه انسان است و حکومت دینی باید آن را تأمین کند. آزادی در حکومت دینی شامل، حق زندگی، آزادی در رفت‌وآمد، امنیت‌جانی- شغلی، امنیت‌مالی و حیثیتی، احقاق حقوق، تساوی زن و مرد در برابر قانون و حق دفاع از خود (منتظر قائم، ۱۳۸۱: ۳۸) از جمله مصادیقی است که امام به آنها اشاره می‌کند. از نظر ایشان رژیم شاهنشاهی نظام پوسیده‌ای بود که هستی ملت را به باد فنا داده و تمام آزادی‌ها را از او سلب کرده‌است؛ نظامی که طبقات جوان روشنفکر را در زندان‌ها و تبعیدگاه‌ها از هستی ساقط نموده و مردم را مجبور کرد که علی‌رغم میل‌شان موافقت خود را با آن اعلام کنند (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۹۵).

اختیار انسانی در اندیشه سیاسی امام، گوهری است که از توحید برمی‌خیزد و بدون آن انسان از مرتبه والای خود به مرتبه حیوانی تنزل می‌نماید. آزادی حقی است الهی و ذاتی برای انسان. حقی برای انتخاب خود و سرنوشت خود و حقی در انتخاب اندیشه، اعتقادات و راه و رسم و نوع زندگی (اکوانی و شفیع،

۱۳۹۴: ۵۸). انقلاب اسلامی ایران نیز به رهبری امام خمینی (ره) حرکتی بود برای رهایی از یوغ بندگی غیرخدا و کسب آزادی و استقلال. آزادی که محدودکننده آن قانون اساسی باشد نه آزادی‌هایی که موجب فساد گردد.

در نگاه مودودی حق آزادی یا حق انتخاب میان دو یا چند گزینه و تحمیل نکردن اندیشه خاص، از مواهب بزرگ الهی است که خداوند متعال آن را به انسان‌ها ارزانی کرده است و از ابتدایی‌ترین حقوق شهروندی به‌شمار می‌آید؛ به‌طوری‌که احدی حق ندارد آن را از کسی سلب کند. مودودی در مورد حق آزادی در جامعه اسلامی بر آن است که باید انتخاب زمامداران در حکومت اسلامی به توده‌ها واگذار شود و آنها در آزادی کامل افرادی را برگزینند که شایسته این منصب‌اند (مودودی، ۱۳۴۶: ۱۳۵). همچنین در کتاب *مبایذ اسلام و فلسفه احکام* تأکید می‌کند که انسان دو جهت دارد: جهت اول این است که بر حسب فطرت مطیع قانون است و پیروی از قانون جبلی اوست. جهت دوم این است که به انسان عقل و نیروی فهم و تأمل و قدرت ابراز رأی و نظر داده شده است. از این جهت برخلاف سایر مخلوقات این دنیا که همه تابع قانون معین و مسلمی هستند، انسان به قانون معین و مسلم اصلی، مقید نیست؛ بلکه در رأی و عمل دارای آزادی فکر و عقیده و نظر است و هر نظری را که بپسندد می‌تواند انتخاب کند (مودودی، ۱۳۴۶: ۵). از نگاه مودودی، مردم حق نزاع و اختلاف با حکام و حکومت را دارند و حکومت موظف است برای حفاظت از جان و حقوق شخصی افراد تلاش کند و برای آنها حق آزادی اجتماع، آزادی انتقاد و آزادی وجدان و مذهب قائل شود. ایشان در کتاب *حقوق بشر در اسلام* خود از حق آزادی فردی دفاع می‌کند و می‌نویسد: اسلام آشکارا و بی‌چون و چرا عمل بدوی و اسیر و برده‌کردن انسان آزاد و به‌بردگی فروختن او را ممنوع کرده است (Mawdudi, 1995:15). همان‌طور که اشاره شد مودودی نیز مانند امام اعتقاد دارد که آزادی ریشه در نهاد و ذات انسان دارد، همه مؤمنان خلیفه خداوند بر روی زمین‌اند و همه حق برابر دارند و هیچ‌کس قادر به محروم کردن انسان از این حق نیست.

۲- حق حیات

یکی از مهم‌ترین اصولی که در مجموعه حقوق بشر مورد توجه است و مهم‌ترین اصل حقوق فطری به‌شمار می‌رود، حق حیات است. به این معنا که انسان‌ها بیش از آنکه قوانین موضوعه، حقوقی برای آنان به رسمیت بشناسد، دارای حق حیات هستند و تا وقتی که کسی مزاحم حیات اجتماعی مردم نباشد؛ قانون باید از حق حیات او دفاع نماید و امنیت لازم را در این زمینه فراهم آورد (کمالی‌گوکی، ۱۳۹۴: ۶۲). از دیدگاه امام مبدأ حق زندگی و احترام به حیات انسان، زمان آغاز شخصیت جسمانی او یعنی زمان انقیاد نطفه است؛ و از این زمان تا زمان مرگ، حیات انسان مورد احترام و مصون از تعرض است (امام خمینی، ج ۱، ۱۳۷۸: ۹۶۹). مودودی در این‌باره می‌گوید: «اولین و مهمترین حق اساسی، حق حیات و احترام به زندگی انسان است و اگر کسی آدمی را بکشد مثل آن است که او تمام نژاد بشریت را به هلاکت رسانده است. مودودی معتقد است که پیامبر (ص) کشتن انسان را پس از شرک بزرگترین گناه می‌داند. این دستور برای همه انسان‌ها (اعم از مسلمان و غیرمسلمان) اعمال می‌شود و نابودی زندگی انسانی فی‌نفسه ممنوع

شده است (Mawdudi, 1995:10-11). از دیدگاه وی اسلام کشتن و فساد در روی زمین و فتنه‌انگیزی را حرام کرده، زیرا برای هیچ فردی از افراد بشر حلال نیست که دیگری را بکشد یا به امید اینکه مالی را به دست آورد، به نحوی از انحاء به دیگری صدمه برساند. این قیدها را اسلام بر حیات انسانیت زده است (مودودی، ۱۳۴۶: ۱۷۷). تا اینکه انسان در برابر تأمین حقوق شخصی، حقوق دیگران را سلب نکند.

۳- حقوق شهروندی

امام خمینی (ره) در رابطه با حقوق شهروندی می‌فرماید: «در جمهوری اسلامی هر فردی از حق آزادی عقیده و بیان برخوردار خواهد بود» (امام خمینی، ج ۵، ۱۳۷۸: ۱۳۹). به باور ایشان «مملکت متمدن آن است که آزاد باشد، مطبوعاتش آزاد باشند، مردم آزاد باشند در اظهار عقیده و رأیشان» (همان: ۳۴). ایشان بارها بر ضرورت پاسداشت حریم خصوصی مردم تأکید ورزیدند.

مهم‌ترین موضع‌گیری امام درباره لزوم حفظ حریم خصوصی افراد، فرمان مشهور به هشت ماده‌ای ایشان است که در سال ۱۳۶۱ خطاب به مسئولان اجرایی و قضایی کشور صادر شد. این فرمان شامل نکات مهمی در باب حقوق شهروندی است که امام بر رعایت کردن آن توسط مسئولین تأکید داشته‌اند. از جمله اینکه هیچ کسی حق ندارد فردی را بدون حکم قاضی توقیف یا احضار کند. هیچ کس حق ندارد در مال کسی چه منقول و چه غیرمنقول تصرف کند. هیچ کسی حق ندارد به خانه یا محل کار شخصی بدون اذن صاحب آن وارد شود و یا نسبت به فردی اهانت کند. باید شرایطی فراهم شود که ملت احساس آرامش و امنیت نمایند و آسوده‌خاطر به کارهای خویش ادامه دهند (امام خمینی، ج ۱۷، ۱۳۷۸: ۱۴۳-۱۳۹). مودودی نیز حقوق شهروندی در حکومت اسلامی را مورد توجه قرار داده و در کتاب *حقوق بشر در اسلام* مصادیق آن را آورده است. او معتقد است اسلام حقوقی مثل امنیت جان و مال، حفظ آبرو، حیثیت، حرمت و امنیت زندگی خصوصی، امنیت آزادی شخصی، حق اعتراض علیه ظلم و ستم، آزادی بیان، آزادی اجتماع، آزادی مذهب و عقیده، برابری در برابر قانون، حق مشارکت در امور دولتی و ... را برای شهروندان به رسمیت می‌شناسد و اذعان می‌دارد اسلام علاوه بر تأمین جان و مال، حق محافظت از آبرو و حیثیت شهروندان را نیز مورد توجه قرار داده است. دین مبین اسلام مداخله نابجا یا تخطی در امور شخصی زندگی افراد را جایز نمی‌داند و دولت‌ها هم حق ندارند با این توجیه که تجسس در کار بعضی از اشخاص ضروری است به حوزه خصوصی زندگی شهروندان وارد شوند؛ زیرا چنین سیاستی موجب ترس و سوءظن شهروندان می‌شود. مودودی از پیامبر نقل می‌کند که زمانی که حاکم به دلایل نارضایتی در بین مردمش شروع به تجسس کند، او آنها را تباه می‌کند (Mawdudi, 1995:29). به عبارت دیگر رعایت حقوق شهروندی و حفظ حریم شخصی مورد تأیید این دو اندیشمند قرار گرفته است.

۴- حقوق زنان

بنا به عقیده امام حقوق سیاسی زنان و مردان مساوی است و همان‌طور که مردان باید در امور سیاسی دخالت کنند و جامعه خود را حفظ نمایند، زنان نیز باید در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی هم‌دوش مردان باشند و البته در این راه حفظ موازین شرعی و آنچه اسلام فرموده، لازم است (کاشف‌الغطاء، بی‌تا: ۵۲). از

نگاه ایشان «ما نمی‌توانیم و اسلام نمی‌خواهد که زن به‌عنوان یک شیء و عروسک در دست ما باشد. اسلام می‌خواهد شخصیت زن را حفظ کند و از او انسانی جدی و کارآمد بسازد. ما هرگز اجازه نمی‌دهیم که زنان فقط شیء برای مردان و آلت هوسرانی باشند» (امام خمینی، ج ۴، ۱۳۷۸: ۱۰۴-۱۰۳). همچنین ایشان معتقد بودند که در صدر اسلام زنان در جنگ‌ها نیز حضور داشتند و میدان جنگ هم می‌رفتند. «اسلام زن‌ها را قدرت داده است... آنچه که اسلام مخالف است، این است که این طوری می‌خواهند زن را بار بیاورند که یک ملعبه‌ای در دست مردها باشد و به قول شاه «زن باید فریبا باشد» ما می‌خواهیم زن مثل سایر آدم‌ها، انسان باشد؛ مثل سایر انسان‌ها آزاد باشد (همان، ۶۰-۵۹). ایشان در یکی از سخنرانی‌هایشان در مورد آزادی زنان فرموده‌اند: «زنان در جامعه اسلامی آزادند و از رفتن آنان به دانشگاه و ادارات و بهیچ وجه جلوگیری نمی‌شود». امام در خصوص حقوق زنان نیز فرموده‌اند: در نظام اسلامی، زن همان حقوقی را دارد که مرد دارد؛ حق تحصیل، حق کار، حق مالکیت، حق رأی‌دادن، حق رأی‌گرفتن، در تمام اموری که مرد حق دارد زن هم حق دارد. ایشان حضور و دخالت زنان در امور سیاسی را لازم می‌دانند و معتقدند برای حفظ جامعه این امر واجب است و می‌فرمایند: «زن‌ها هم باید در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی، هم‌دوش مردها باشند، زن باید در مقررات اساسی مملکت دخالت کند و در ساختمان حکومت اسلامی مسئولیت‌هایی به عهده بگیرد» (تیموری بازگری، ۱۳۹۰: ۴۱). در واقع امام رعایت حقوق سیاسی اجتماعی زن را مورد تأکید قرار می‌دهد.

از نظر مودودی اسلام بهترین جایگاه را در زندگی اجتماعی برای زن در نظر گرفته است. اسلام دینی بود که نه تنها از نظر قانونی و عملی، بلکه از نظر فکری انقلاب بزرگی به راه انداخت. این اسلام بود که تفکر زن و مرد را اصلاح کرد و در ذهن انسان عزت و کرامت و حقوق زن را زنده نمود (مودودی، ۱۳۷۷: ۲۰۰). به باور او زن و مرد از آن رو که موجوداتی انسانی و دارای نیروی عقلی و عاطفی همسان هستند، برابرند و هر دو در سامان‌دهی به زندگی اجتماعی و تمدن مشارکت فعال دارند و در پرورش توانایی‌های طبیعی‌شان، از استحقاق یکسانی برخوردارند و تهذیب، تعلیم و پرورش استعدادها هر دو جنس در اصلاح و قوام زندگی جمعی مؤثر است. زنان همانند مردان حقوق و امتیازات اجتماعی همسانی دارند که جامعه باید آنها را حرمت نهد (تیموری بازگری، ۱۳۹۰: ۴۲). اما با این وجود مودودی با کار کردن زن در بیرون از خانه زیاد موافق نیست. از نگاه او در اسلام تقسیم کار بین زن و مرد شکل گرفته است و براساس آن زن در خانه و مرد در بیرون از خانه باید مشغول به کار باشند؛ زیرا زن در راه کسب و کار موفقیت و کارآیی مرد را ندارد؛ بنابراین الزامی برای کار او در بیرون نیست (مودودی، ۱۳۷۷: ۳۲-۳۵). از دید مودودی در عرصه سیاست جایی برای زنان وجود ندارد؛ زیرا که مردان کاراندیش زنان‌اند و حکومت و سیاست از دایره وظایف آنها خارج است (مودودی، بی‌تا: ۱۵۲-۱۶۰). مودودی کیفیت‌های قانونی اداره‌ی امور را تنها به مردان محدود کرده و در این رابطه به قرآن اشاره می‌کند که مردان مسئول زنان هستند (مودودی، ۱۳۴۶: ۳۴). به باور او: «هر آینه که ملت ویرانه‌های حکومت‌اش را به یک زن واگذار کند به‌روزی نخواهد دید (Mawdudi, 1955: 12). از نظر وی زن نرم، قابل‌انعطاف و تأثیرپذیر است و

طبیعت تسلیم‌شدن و ترسو بودن را دارد. او مردها را بر زنان برتری می‌دهد و می‌نویسد: فعال‌بودن فی‌الذات از لحاظ طبیعی بر منفعل‌بودن و زن‌بودن برتری دارد. این برتری ناشی از هرگونه شایستگی در مردبودن در برابر بی‌لیاقتی و شایسته‌نبودن زن نیست. بلکه ناشی از واقعیت داشتن خصایص طبیعی سلطه، قدرت و اقتدار است. چیزی که بر چیز دیگری تأثیر می‌گذارد؛ قادر است این کار را به دلیل سلطه، قدرت و تأثیر بیشترش انجام دهد (Mawdudi, 1979:120-134). به‌طور کلی از نظر وی شالوده‌ای که اسلام برای خانواده پایه‌گذاری کرده این است که شوهر موظف است برای تحصیل روزی افراد خانواده به کسب و کار بپردازد و آنچه را خانواده بدان نیازمند است آماده سازد و از افراد خانواده دفاع کند. ولی وظیفه زن این است که کارهای داخلی خانواده را به وسیله درآمد شوهر اداره کند و حداکثر امکان راحتی برای شوهر و فرزندانش آماده سازد و به تربیت فرزندانش بپردازد (مودودی، ۱۳۴۶: ۱۷۷). در واقع مودودی حقوق اجتماعی و سیاسی برای زن قائل نیست.

در حالی که امام در مورد مشارکت سیاسی زنان عقیده دارند که امور سیاسی مخصوص یک طبقه نیست، همان‌طور که علم مخصوص یک طبقه نیست. همان‌طور که مردها باید در امور سیاسی دخالت کنند و جامعه خودشان را حفظ کنند زنان هم باید در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی هم‌دوش هم باشند، البته با حفظ آن چیزی که اسلام فرموده است (امام خمینی، ج ۹، ۱۳۷۸: ۴۹۹). به باور ایشان اسلام حقوق سیاسی زنان را مورد توجه و حمایت قرار داده و شرکت زنان در این عرصه را بیش از چهارده قرن پیش امضاء نموده است. یکی از بارزترین نشان‌های حقوق سیاسی زنان در دوره حاکمیت پیامبر(ص)، بیعت زنان با حاکم اسلامی است. به عبارت دیگر بیعت به‌عنوان حساس‌ترین مبنای دموکراسی در امور سیاسی و اجتماعی عصر نبوت و ولایت به‌شمار می‌رفت، که شکل پیشرفته آن را در رأی امروز می‌بینیم (جلالی و موسوی، ۱۳۹۲: ۶۸). از این رو دایره حقوق بشر در امام شامل زنان و مردان بدون هیچ‌گونه تبعیضی است.

۵- عدالت

می‌توان اجرای عدالت را بزرگترین هدف تشکیل حکومت اسلامی دانست. در اندیشه سیاسی اسلام عدالت نیرویی درونی و سازوکاری است که از یک سو نقش نظارتی بر حاکمان را دارد و از طرف دیگر پایبندی حاکم به توزیع برابر فرصت‌ها را تضمین می‌کند (اکوانی و منصورخانی، ۱۳۹۵: ۱۲).

در اندیشه امام‌خمینی(ره) عدالت جایگاه و اهمیتی والا دارد. از نظر ایشان در حکومت و جامعه باید تمامی اقشار جامعه از حقوق برابر برخوردار و همه در برابر عدالت مساوی باشند. مسئولان درصدد جلب امتیازات ویژه برای خود نباشند و همواره با خدمت‌گزار مردم دانستن خود، به‌دنبال پرکردن شکاف‌های طبقاتی به نفع محرومان باشند (ایران‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۳۰). ایشان تحقق عدالت را به‌عنوان هدف آلی برای قوانین اسلام می‌دانند. از نگاه ایشان اسلام به قانون نظر آلی دارد؛ یعنی آن را آلت و وسیله تحقق عدالت در جامعه و وسیله اصلاح اعتقادی و اخلاقی و تهذیب انسان می‌داند. قانون برای اجرا و

برقرار شدن نظم اجتماعی عادلانه به منظور پرورش انسان مهذب است. وظیفه مهم پیغمبران اجرای احکام بوده و قضیه نظارت و حکومت (امام خمینی، ۱۳۷۲: ۷۳) مطرح بوده است.

مودودی نیز این موضوع را مورد توجه قرار داده و می‌گوید: عدالت، مسئله‌ای ارزشمند و مهم است که اسلام به انسان عطا کرده است. به باور او، عدالتی که اسلام به پیروانش وعده می‌دهد به‌طور کلی فقط محدود به شهروندان جامعه اسلامی نیست؛ بلکه اسلام عدالت را برای همه انسان‌های جهان در نظر دارد. بنابراین مسلمانان نمی‌توانند نسبت به شخص معینی عادل باشند. باید رفتار و منش همیشگی چنان باشد که هیچ انسانی در نزدیکی‌شان از بی‌عدالتی آنها رنج نبرد (Mawdudi, 1995:17). به باور او، در قلمرو قانون وجهه‌نظر مسلمان این است که برای همه افراد بشر مقرراتی را در نظر بگیرد که حقوق و تکالیف‌شان در نهایت عدل و امانت رعایت شود و بر هیچ فردی از افراد به‌هیچ‌وجه ظلم و ستمی روی ندهد (مودودی، ۱۳۴۲: ۱۹). مودودی در روش زندگی در اسلام بیان می‌کند که بشر در میان اجتماعات هیچ اجتماعی را سزاوار بزرگداشت نشناخته جز اجتماعی را که از نظم کامل و حسن‌تدبیر بهره‌وافی داشته و پرچم همکاری، مساوات، درستی، خیراندیشی و مساوات و عدالت اجتماعی در آسمان آن به اهتزاز درآمده باشد (مودودی، ۱۳۴۶: a: ۱۶). لذا رعایت عدالت از جمله محورهای مورد تأکید دو متفکر می‌باشد.

۶- کرامت انسانی

امام خمینی (ره) و مودودی با تکیه بر میانی انسان‌شناختی اسلام، دیدگاه خود را در رابطه با اجتماع و سیاست صورت‌بندی کردند. در آموزه‌های اسلامی نیز مهم‌ترین گوه‌ری که خداوند تعالی در خلقت انسان به او عطا فرموده کرامت انسانی است. از نظر امام، اسلام در نظام هستی دارای جایگاهی خاص است و همه امور دیگر در جهت کمک به تعالی اوست؛ زیرا که انسان خلیفه خداوند بر روی زمین است. مودودی نیز همچون امام اعتقاد دارد که انسان دارای جایگاه والا در نظام هستی است؛ به‌گونه‌ای که انسان حاکمیت خداوند بر زمین را عملی می‌سازد (اکوانی و منصورخانی، ۱۳۹۵: ۸). از دید امام، انسان عصاره همه موجودات و فشرده تمام عالم است و انبیاء آمده‌اند برای اینکه این عصاره بالقوه را بالفعل کنند و انسان یک موجود الهی می‌شود که این موجود الهی، تمام صفات حق تعالی در اوست و جلوه‌گاه نور مقدس حق تعالی است (امام خمینی، ج ۱۴، ۱۳۷۸: ۱۵۳). امام همچنین می‌فرماید: «در میان همه موجوداتی که در طبیعت موجود هستند، انسان اختصاصاتی دارد که سایر موجودات ندارند. یک مرتبه باطن، یک مرتبه عقلیت، یک مرتبه بالاتر از مرتبه عقل، در انسان بالقوه است (امام خمینی، ج ۴، ۱۳۷۸: ۱۷۴). از نگاه ایشان انسان از همان ابتدا با فطرت خوب به دنیا می‌آید، با فطرت الهی به دنیا می‌آید که همان فطرت انسانیت، فطرت صراط مستقیم، فطرت اسلام و فطرت توحید است (امام خمینی، ۱۳۷۸: b: ۵). لذا از نگاه امام، انسان وجهی الهی دارد.

به باور مودودی اسلام بشر را اشرف موجودات جهان معرفی می‌کند و از این رهگذر ارزش حیات آدمی را روشن می‌سازد (مودودی، ۱۳۴۶: a: ۱۰). او به آیه هفت سوره اسراء استناد می‌کند که: ما تاج

بزرگواری را برسر فرزندان آدم نهادیم و در خشکی و دریا آن را جای دادیم و از رزق‌های خوب برخوردارشان کرده و آنها را بر بسیاری از موجودات عالم برتری دادیم.

۷- برابری

امام خمینی (ره) در باب برابری بر این نظراند که: «از همین اصل اعتقادی توحید، ما الهام می‌گیریم که همه انسان‌ها در پیشگاه خداوند یکسان‌اند. خداوند خالق همه است و همه مخلوق و بنده او هستند. اصل برابری انسان‌ها و اینکه تنها امتیاز فردی نسبت به فرد دیگر بر معیار و قاعده تقوا و پاکی از انحراف و خطاست. بنابراین با هر چیزی که برابری را در جامعه برهم می‌زند و امتیازات پوچ و بی‌محتوا را در جامعه حاکم می‌سازد باید مبارزه کرد» (امام خمینی، ج ۵، ۱۳۷۸: ۳۸۸).

به باور مودودی، اسلام کاخ حیات انسان را بر اساس ایمان به خدا و روز رستاخیز، مساوات و برابری، رفاه و برادری، رفاه معیشت برای همگان، بهره‌مند شدن همه افراد از مواهب زندگی و منابع طبیعی، مبارزه با هرگونه استعمار و استثمار، تعاون و همکاری و... ستوار می‌سازد (مودودی، ۱۳۴۶: ۹). شرف و افتخار و برتری نه به نسب است و نه به رنگ و نه به جامعه و نه به جاه و نه به ثروت، بلکه شرف و برتری بسته به تقوا - یعنی پرهیزکاری و صلاح و نیکوکاری - است (مودودی، ۱۳۴۲: ۶۳). مودودی در کتاب **حقوق بشر** خود می‌نویسد: اسلام نه تنها برابری انسان‌ها را به رسمیت شناخته است، بلکه آن را اصلی مهم و با اهمیت می‌داند. او تأکید می‌کند که در خصوص این اصل پیامبر (ص) در یکی از بیاناتشان می‌فرمایند: هیچ عربی بر غیرعربی (عجم) برتری ندارد و نه هیچ غیرعربی بر عربی برتری دارد. نه سفید پوستی بر سیاه پوستی رجحان دارد و نه سیاه پوستی بر سفید پوستی. همه‌ی شما نوادگان حضرت آدمید و حضرت آدم هم از خاک آفریده شد. طبق نظر اسلام، خداوند حق برابری را از بدو تولد به انسان ارزانی داشته و هیچ شخصی نباید به موجب رنگ پوستش، زادگاه و یا نژاد و ملتش مورد تبعیض قرار گیرد (Mawdudi, 1995: 18-17). به عبارت دیگر در یک جامعه اسلامی حق برابری کامل و مطلق در برابر قانون برای همه شهروندان وجود دارد. به طوری که حقوق و تکالیف هر شخص به هیچ وجه نه بیشتر و نه کمتر از حقوق و تکالیف مردم دیگر خواهد بود. زندگی و دارایی‌های غیرمسلمانان نیز باید مانند زندگی و دارایی مسلمانان ایمن و مصون باشد. فرق قائل شدن بین گروه‌های متفاوت مردم، یکی از بزرگ‌ترین جرم‌هاست (Ibid: 32). اما نکته شایان توجه این است که از نظر وی، خدای متعال استعدادها و لیاقت و شایستگی‌هایی به انسان داده است که با آن احتیاجاتش را رفع نماید؛ اما در تقسیم این موهبت‌ها و استعدادها همه افراد بشر را یکسان قرار نداده است (مودودی، ۱۳۴۶: ۳۸). از جمله تفاوت‌های مبانی اندیشه‌ای این دو متفکر مسأله برابری ذاتی و برابری اجتماعی است. مودودی انسان‌ها را ذاتاً برابر می‌داند و هیچ تفاوتی میان آنها قائل نیست اما به لحاظ حقوق اجتماعی جایگاه برابری برای آنها متصور نیست؛ چنانچه اهمیت کمتری به مسأله حقوق زنان می‌دهد.

حقوق اقلیت‌های مذهبی

اسلام قائل به اصل سماحت و کرامت انسانی است. ویژگی سماحت به پیروان دیگر مذاهب و احترام به اصل همزیستی مانع از آن می‌شود که مقررات و تکالیف حقوقی خاص به دیگر اقوام تحمیل گردد. طبق نصوص قرآنی از جمله: سوره انعام آیه ۱۶۵، بقره آیه ۲۹، حج آیه ۶۵، مومنون آیه ۱۴ و طه آیه ۴۰ و ۴۱ و همچنین متون روایی و مبانی اسلامی همه اقوام در خصوص اعمال مقررات جزایی خاص خود، در محدوده نظام حقوقی داخلی، به شرط عدم خدشه وارد کردن به حقوق مسلم انسانی، می‌توانند آزادانه رفتار کنند (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۹۷). در منظومه فکری امام، اقلیت‌ها در نظام جمهوری اسلامی همانند سایر افراد از حقوق و احترام کامل برخوردارند. آنها با سایر افراد ایران در همه چیز مشترک و حقوقشان به حسب قوانین داده می‌شود. در حکومت اسلامی آنها در رفاه، آسایش و آزادی هستند و حکومت اسلامی خود را موظف می‌داند تا از حقوق و امنیت آنان دفاع کند (امام خمینی، ج ۱۱، ۱۳۷۸: ۲۹۰). همچنین در جای دیگر می‌فرماید: اسلام بیش از هر دینی و بیش از هر مسلکی به اقلیت‌های مذهبی آزادی داده است. آنان نیز باید از حقوق طبیعی خودشان که خداوند برای همه انسان‌ها قرار داده است بهره‌مند شوند. ما به بهترین نحو از آنها نگهداری می‌کنیم. در جمهوری اسلامی کمونیست‌ها نیز در بیان عقاید خود آزادند (امام خمینی، ج ۴، ۱۳۷۸: ۳۶۴). مودودی در این رابطه می‌گوید: برخلاف دولت کمونیستی... اسلام به دنبال حذف اقلیت‌ها نیست، بلکه می‌خواهد آنان را تحت حمایت خود قرار داده و به آنها بر اساس فرهنگ خودشان آزادی زندگی کردن اعطا نماید (Mawdudi, 1976: 33) و حقوق آنان را به رسمیت می‌شناسد.

نتیجه‌گیری

دین مبین اسلام همانند سایر ادیان الهی برای به کمال رساندن انسان، به بشر عرضه شده است. به همین دلیل، در فرهنگ اسلامی به مؤلفه‌ها و مبانی حقوق و تکالیف بشر توجه ویژه‌ای شده است. محور بحث حقوق بشر اسلامی کرامت انسانی است. خداوند متعال به منظور رسیدن انسان به مراتب عالی کمال، انسان‌ها را آفرید و حق‌هایی را برای آنها قرار داده است که در قرآن کریم به‌مثابه خاستگاه اولیه آموزه‌ها و حقوق اسلامی، بسیاری از این اصول حقوق بشر ذکر شده است. اسلام دینی مبتنی بر فطرت آدمی است و حقوق بشر را در زمره واجبات قرار داده است. امام خمینی (ره) و ابوالاعلی مودودی با تکیه بر مبانی انسان‌شناسی و جهان‌بینی که از اسلام داشتند، دیدگاه خود در مورد حقوق بشر را صورت‌بندی کرده‌اند. در آموزه‌های اسلامی، مهم‌ترین گوهری که خداوند تعالی در خلقت انسان به او عطا فرموده، کرامت انسانی و شرافت ذاتی اوست.

جهان‌بینی امام خمینی (ره) مبتنی بر توحید، عدالت‌محوری و هدفمندی جهان است. در همین راستا امام خمینی در مبانی انسان‌شناسی خود از انسان متعالی سخن می‌گوید. از دیدگاه ایشان فردی خلیفه خداوند بر روی زمین است که نمونه یک انسان کامل، دارای فطرت پاک و موجودی دارای ابعاد جسمانی

و روحانی می‌باشد. ایشان با نفی نگرش تک‌بعدی به انسان، او را دو بُعدی می‌داند که برای دستیابی او به سعادت توجه به وجوه زندگی دنیوی و اخروی او ضروری است. از سوی دیگر امام خمینی (ره) انسان را موجودی دارای اراده و اختیار می‌داند. از این رو نحوه تعریف ایشان از مصادیق حقوق بشر وسیع‌تر و شامل تمامی انسان‌ها می‌باشد. از همین رو اعتقاد به برابری و فطرت پاک انسان‌ها در کنار توجه به عدالت سبب شده تا ایشان مصادیق حقوق بشر را در خصوص همه انسان‌ها شامل هر نژاد، رنگ، مذهب و جنسیتی بدانند.

مودودی نظریه خلافت عمومی را در این رابطه مورد توجه قرار می‌دهد. او با اعتقاد به نظریه خلافت انسان را خلیفه خدا بر روی زمین می‌داند و برای انسان اراده و اختیار قائل است. نکته شایان ذکر در این جا این است که، این دو اندیشمند میانی تفکری خود را از اسلام اصیل گرفته‌اند فارق از اینکه تمرکز بر سنی و شیعه داشته باشند؛ امام خمینی (ره) حتی پا از دایره اسلام نیز فراتر گذاشته است و حقوق سایر اقلیت‌ها را نیز در نظر گرفته است. در واقع به دلیل توجه به توحید، عدالت‌محوری، اراده و اختیار و سعادت بشر در جهان‌بینی و انسان‌شناسی آنها صورت‌بندی نظریاتشان در باب مصادیق حقوق بشر، شامل آزادی، حق حیات، حقوق شهروندی، عدالت، کرامت انسانی و برابری تقریباً همسو بوده است. اما به دلیل انسان‌شناسی وسیع‌تر در مقوله حقوق زنان و اقلیت‌ها نظریات متفاوتی دارند. به طوری که امام خمینی (ره) بر حضور زنان در عرصه سیاسی تأکید دارند؛ ولی مودودی فعالیت زنان در عرصه سیاسی را جایز نمی‌داند و بیشتر بر حضور زن در خانه و در خدمت خانواده تأکید دارد. اندیشه امام دربرگیرنده سایر ادیان نیز می‌شود اما دیدگاه مودودی در خصوص حقوق بشر بیشتر در دایره مسلمانان می‌گنجد.

به‌طور کلی در اندیشه نوین اسلامی توجه به مقوله حقوق بشر جایگاه ویژه‌ای یافته است. در این میان از دو دیدگاه قبض‌محور و بسط‌محور می‌توان سخن گفت. چنانچه میانی جهان‌بینی و انسان‌شناسی امام خمینی (ره) با بسط دایره این امر فراجنسیتی، فراقومیتی و فرازبانی است از این رو توانایی ارائه مدل حقوق بشر اسلامی را دارد. اما اندیشه مودودی با نگرشی قبض‌محور دایره مشمولان حقوق بشر را کاهش داده و زمینه تعامل آن با عرصه جهانی و الگوی غربی از حقوق بشر را کاهش داده است.

منابع

- قرآن کریم.
- احمدوند، شجاع و سلگی، محسن (۱۳۹۳)، میانی اندیشه فردریش نیچه و اقبال لاهوری با تأکید بر انسان‌شناسی و فلسفه سیاسی، پژوهش‌های راهبردی سیاسی، سال دوم، شماره هشتم، بهار، ۱۶۸-۱۴۱.
- اکوانی، حمداله و شفیعی، حسین (۱۳۹۴) «معرفت دینی و تأثیر آن بر مفهوم آزادی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)»، پژوهشکده انقلاب اسلامی، شماره ۱۵: ۴۵-۶۵.

- اکوانی، حمداله و منصورخانی، زینب شکوه (۱۳۹۵)، «مردم سالاری دینی در گفتمان اسلام سیاسی: بررسی اندیشه امام خمینی(ره) و ابوالاعلی مودودی»، فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی: سال ششم، شماره ۱۹: ۱-۱۹.
- امیرخانی، علی (۱۳۸۹)، «ابوالاعلی مودودی و جریان نوسلفی‌گری»، معرفت کلامی: سال اول، شماره ۳: ۱۷۳-۱۴۱.
- امین، حسن (۱۳۸۱)، «حقوق بشر، جهان شمولی یا نسبیت دینی فرهنگی»، علوم سیاسی: شماره ۱۹، سال پنجم، ۱۹۰-۱۶۷.
- ایران‌نژاد، ابراهیم؛ جمشیدی، محمدحسین و فرشباغیان، احمد (۱۳۹۱)، «عدالت اجتماعی در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره)»، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران: سال پنجم، شماره ۱: ۱۱۵-۱۳۴.
- باقرزاده، محمدرضا (۱۳۹۱)، «تدابیر اسلام برای پیشگیری از نقض حقوق بشر در محیط بین الملل»، معرفت سیاسی: سال چهارم، شماره ۲: ۸۸-۶۹.
- باقرزاده، محمدرضا (۱۳۸۲)، «جهان شمولی حقوق بشر در اسلام»، معرفت فلسفی، قم: مؤسسه امام خمینی، شماره ۸۲: ۳۹-۲۱.
- بنت‌النشاطی، عایشه عبدالرحمن (۱۹۹۵م)، *القرآن وقضایا الانسان*، قاهره: دارالمعارف.
- تیموری بازگری، مهدی (۱۳۹۰)، «جایگاه زن از منظر سید ابوالاعلی مودودی»، *مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی*، فروغ وحدت: شماره ۲۴: ۴۴-۳۵.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۴)، *ترمینولوژی حقوق*: چاپ پانزدهم، گنج دانش.
- جلالی، محمد و موسوی، سیده فاطمه (۱۳۹۲)، «حقوق سیاسی زنان از منظر اسلام و اسناد بین المللی حقوق بشر»، *فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ*: سال چهارم، شماره ۱۵: ۵۹-۶۹.
- جمشیدی، محمد حسین (۱۳۸۸)، *اندیشه سیاسی امام خمینی(ره)*: تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، ۱۱۵-۱۳۵.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱)، «فلسفه حقوق بشر»، قم: اسراء.
- خزاعی‌گسک، مهدی (۱۳۹۳)، «تحلیل مردم‌سالاری دینی در اندیشه ابوالاعلی مودودی»، *ره آورد سیاسی*: سال دوازدهم، شماره ۴۴: ۹۸-۸۳.
- خسروپناه، عبدالحسین و میرزایی، رضا (۱۳۸۹)، *چیستی انسان، انسان، شناسی دینی*، سال هفتم، شماره ۲۴، پاییز و زمستان، ۵۶-۳۵.
- خمینی، سید روح الله (۱۳۷۸)، *صحیفه امام*، ج ۱، ج ۲، ج ۳، ج ۴، ج ۵، ج ۶، ج ۷، ج ۸، ج ۹، ج ۱۰، ج ۱۱، ج ۱۲، ج ۱۳، ج ۱۴، ج ۱۵، ج ۱۶، ج ۱۷، ج ۱۸، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).
- خمینی، سید روح الله (۱۳۷۸)، *جوانان از دیدگاه امام خمینی(ره)*-*تبیین آثار موضوعی* (دفتر شانزدهم)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره): دبیرخانه شورای عالی جوانان.
- خمینی، سید روح الله (۱۳۷۸)، *تعلیم و تربیت از دیدگاه امام خمینی (اهمیت، جایگاه و عوامل مؤثر بر تعلیم و تربیت)*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).
- خمینی، سید روح الله (۱۳۷۲)، *ولایت فقیه (حکومت اسلامی)*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).
- خمینی، سید روح الله (۱۳۷۴)، *المکاسب المحرمه*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

- خمینی، سید روح الله (۱۳۸۵)، اخلاق (۱) - انسان شناسی در اندیشه امام خمینی (ره) - تبیان آثار موضوعی (دفتر چهل و سوم)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- سلطان مرادی، محمد و هابیلی، مریم (۱۳۹۰)، «حقوق بشر در نهج البلاغه بشر در نهج البلاغه»، فصلنامه مطالعات تفسیری: سال دوم، شماره ۵: ۹-۴۴.
- سیدفاطمی، محمد قاری (۱۳۸۲)، حقوق بشر در جهان معاصر، تهران: شهر دانش.
- سیدیان، مهدی و شبان‌نیا، قاسم (۱۳۸۴)، «حقوق بشر از دیدگاه اسلام و غرب»، مجله معرفت: شماره ۶۹: ۶۶-۷۴.
- شادمان، مهدیه، «تبیین اندیشه امام خمینی (ره) در باب حقوق بشر»، فصلنامه مطالعاتی صیانت از حقوق زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۲۲-۱۰.
- شبان‌نیا، قاسم (۱۳۹۰)، «حقوق بشر در پرتو مشروعیت الهی حکومت اسلامی»، حکومت اسلامی: سال شانزدهم، شماره ۴: ۱۲۸-۱۰۳.
- عراقچی، عباس (۱۳۷۸)، «اندیشه‌های سیاسی ابوالاعلی مودودی و جنبش احیاء طلبی اسلامی»، مطالعات خاورمیانه: شماره ۱۹: ۱۰۹-۷۳.
- عروتنی موفق، اکبر (۱۳۹۵)، «مبانی هستی‌شناسی اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال ششم، شماره ۳۱: ۶۷-۵۱.
- عمیدزنجانی، عباسعلی و توکلی، محمد مهدی (۱۳۸۶)، «حقوق بشر اسلامی و کرامت ذاتی انسان در اسلام»، فصلنامه حقوق دانشگاه تهران، دوره سی‌وهفتم، شماره ۴: ۱۸۹-۱۶۱.
- فتحی واجرگاه، کوروش و دیگران (۱۳۹۳)، «بررسی و تحلیل مؤلفه‌های حقوق بشر در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی»، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی: سال سیزدهم، شماره ۴۹: ۷-۲۴.
- کاشف‌الغطاء، فاطمه (بی‌تا)، «جایگاه و حقوق سیاسی زنان در نظام اسلام از دیدگاه امام خمینی (ره)»، طهورا: فصلنامه‌ای در عرصه مطالعات زنان و خانواده، ۳۷-۵۶.
- کمالی گوکی، محمد (۱۳۹۴)، «بررسی گفتمان حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران بر مبنای اندیشه امام خمینی (ره)»، فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام: دوره دوم، شماره ۵: ۸۲-۵۵.
- محمودی، عبدالحسین (۱۳۸۵)، حقوق بشروچالش‌های فرارو، قم: نجم‌الهدی.
- منوچهری، عباس و دیگران (۱۳۹۴)، رهیافت و روش در علوم سیاسی، تهران: سمت.
- موحد، محمدعلی (۱۳۸۱)، در هوای حق و عدالت: از حقوق طبیعی تا حقوق بشر، تهران: نشر کارنامه.
- موسوی بجنوردی، محمد و مهریزی ثانی، محمد (۱۳۹۲)، «حقوق شهروندی از نگاه امام خمینی (ره)»، پژوهشنامه متین: سال پانزدهم، شماره ۶۱: ۱-۲۴.
- موسوی، علی و حقیقت، سیدصادق (۱۳۹۱) مبانی حقوق بشر از دیدگاه اسلام و دیگر مکاتب، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- مودودی، ابوالاعلی (بی‌تا)، اسلام در دنیای امروز، ترجمه احمد فرزانه، قم: شفق.
- مودودی، ابوالاعلی (۱۳۶۴)، اسلام و جاهلیت، ترجمه عبدالعزیز سلیمی، تهران: فرهنگ قرآن، بیان.

- مودودی، ابوالاعلی (۱۳۸۹)، *الجهاد فی السبیل الله*، [بی‌جا]، الاتحاد الاسلامی العالی للمنظمات الطلابیه.
- مودودی، ابوالاعلی (۱۳۴۶a)، *روش زندگی در اسلام*، ترجمه احمد فرزانه، [بی‌جا].
- مودودی، ابوالاعلی (بی‌تاb)، *قانون اساسی در اسلام*، ترجمه محمد علی گرامی، قم: مؤسسه دارالفکر.
- مودودی، ابوالاعلی (۱۳۷۷)، *حجاب*، ترجمه نعمت الله شهرانی، تهران: احسان، چاپ دوم.
- مودودی، ابوالاعلی (۱۳۴۶b)، *میادی اسلام و فلسفه احکام*، ترجمه سید غلامرضا سعیدی، قم: دارالفکر.
- میرزایی، جلال (۱۳۹۰)، «مبانی انسان‌شناسی در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره)»، *پژوهش های اسلامی*: سال پنجم، شماره ۷.
- میرعلی، محمدعلی (۱۳۹۷)، «گسست و پیوست امت اسلامی در اندیشه سیاسی مودودی»، *فصلنامه سیاست، مجله حقوق و علوم سیاسی*، دوره چهل و هشتم، شماره ۱: ۲۵۵-۲۳۷.
- میرموسوی، سیدعلی و حقیقت، سیدصادق (۱۳۹۱)، *مبانی حقوق بشر از دیدگاه اسلام و دیگر مکاتب*، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی: چاپ دهم.
- وحدت، فرزین (۱۳۹۵)، *اخلاق اسلامی و شیخ مدرنیته*، چاپ اول، تهران: انتشارات چاپخش.
- هابز، توماس (۱۳۸۰) *لویاتان*، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشر نی.
- Mawdudi, Abul Ala (1995), *Human Rights in Islam*, Lahore: Islamic Publications.
- Mawdudi, Abul Ala (1972), *ashort History of the Revivalist Movement in Islam*, Lahore: Islamic Publication.
- Mawdudi, Abul Ala (1955), *First Priuciples of the Islamic State*, Lahor: Islamic Publications.
- Mawdudi, Abul Ala (1979), *urdah and the Status of Women in Islam*, Lahore Islamic Publications Joycem. Hawkins, the oxford Encyclopedic English Dictionary, Published October 3rd 1996. By oxford university press, USA.
- Mawdudi, Abul Ala (1976), *Political Theory of Islam*: Lahore Islamic Publication.